

روان‌شناسی عشق

محمدحسن فاطمی‌راد

لیلا صابری فرد



نشر و انیا

سرشناسه : فاطمی راد، محمدحسن، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور : روانشناسی عشق/محمدحسن فاطمی راد، لیلا صابری فرد.

مشخصات نشر : تهران، آریا، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۱۳۴ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۴-۹۷-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : عشق -- جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع : Psychological aspects -- Love

شناسه افزوده : صابری فرد، لیلا، ۱۳۵۷ -

رده بندی کنگره : BF۵۷۵ ۱۳۹۵ ۲ف۵ع/

رده بندی دیویی : ۱۵۲/۴۱

شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۶۵۴۹۴



روان‌شناسی عشق

نویسندگان: محمدحسن فاطمی‌راد- لیلا دایبری‌ارد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۶۴-۱۷-۵

نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۹۵

سمت‌گاز: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

نشر واثیا: خیابان جمهوری خیابان منیری جاوید شمالی

تلفن: ۰۹۱۲۱۸۶۶۵۵۸-۶۶۹۱۵۳۱۱-۶۶۹۵۱۶۴۳



مرکز پخش: خیابان شهید مدنی، خیابان وحیدیه، میدان تسلیحات، کوچه

مسجد جامع فاطمیه غربی، روبروی مسجد، ساختمان پزشکان فاطیما، طبقه سوم

تلفن ۷۷۲۵۷۵۱۷-۰۹۱۲۵۵۸۰۱۰۳

مرکز رصد روان‌شناسی اسلامی

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	تعاریف عشق
۱۲	روان‌شناسی عشق
۲۰	نظریه‌های مربوط به عشق
۳۱	عشق و عشق
۳۲	عشق و نظریه تکامل
۳۴	عشق و نظریه هئادرمانی
۳۶	عشق و دیدگاه روان‌پساجی
۳۳	عشق در نظریه پائیلد
۳۵	نظریه لی، نظریه رنگی عشق
۳۷	نظریه دلبستگی و عشق
۳۸	مفاهیم پایه نظریه دلبستگی
۳۹	تعریف دلبستگی
۴۳	مبنای نظری دلبستگی
۴۶	نظریه دلبستگی
۴۸	مراحل دلبستگی
۵۴	انواع دلبستگی
۶۵	ارتباط نظریه دلبستگی با نظریات دیگر
۷۲	تداوم الگوهای دلبستگی
۷۴	دلبستگی و آسیب‌شناسی روانی
۷۹	روش‌های فرزند پروری و دلبستگی کودک
۸۰	عشق در منظر نظریه دلبستگی

۸۶	عشق در دیدگاه اریک فروم
۹۸	هورمون‌ها و نقش آنها در عشق
۱۰۳	از نخستین نگاه تا هوس
۱۱۰	رابطه عشق و سن
۱۱۲	عشق و ازدواج
۱۱۳	ازدواج: آغاز یا فرجام عشق
۱۱۹	سادت به جای عشق
۱۲۰	اصول و شرایط عشق
۱۳۳	منابع فارسی
۱۳۴	منابع لاتین

مقدمه

زندگی ما از آغاز تا فرجام با عشق آمیخته است. آنان که با دانش فیزیک و شیمی آشنایند به خوبی می‌دانند که در چرخهٔ آفرینش، نیروی جاذبه و ربایش (مغناطیس) چگونه نقش ایفا می‌کند. هرگز هیچ موجودی را نمی‌توانیم بدون نیروی جاذبه و ربایش تصور کنیم. نیروی جاذبه و ربایش تأثیر نپذیرد و بدن آن ادامهٔ حیات دهد. تنها یک موجود است که در حیات خود به نیروی جاذبه و ربایش نیاز ندارد: خداوند.

اگر بنفای پذیرفت که انسان در نهان خود احساسی خفته دارد که به مهرورزی مشتاق می‌سازد، شاید بتوان عشق را در درون آدمی ذاتی (غریزی) دانست. اگر نیروی عشق‌ورزی در جهان انسان نهفته باشد انتظار عشق به خدا از وی بیهوده است. آنگاه همان طور که بر خداوند است که ابزار شناخت به انسان دهد ابزار عشق را نیز باید به وی ارزانی کند. هر که به خدا نزدیک‌تر است از نیروی عشق‌ورزی بیشتر برخوردار است و از طرفی هر که از نیروی عشق‌ورزی بیشتری برخوردار باشد امید آنکه بتواند به خداوند نزدیک‌تر شود بیشتر است. زمانی که انسان به کمال عشق می‌ورزد نسبت به او اشتیاق و محبت توأم با لذت و شادی و رضایت دارد. همین امر سبب می‌شود که به وی گرایش و میل بیشتری بیابد و به داشتن ارتباط صمیمانه با او و یکی شدن با وی حریص گردد.

تنها بدین می‌اندیشد که معشوق خواهان چه چیزی است و از چه پرهیز می‌دهد. تمایل به سخاوت و خشنود ساختن، ویژگی بارز افراد عاشق است. او از فداکاری نسبت به معشوق و تقدیم هدیه به وی لذتی

وصف‌ناشدنی می‌برد. تمایل به شناخت هرچه بیشتر محبوب و تبادل اسرار، امری عادی است. گاه فرد عاشق از حالت عادی جان‌نثاری برای محبوب، به خیال پردازی در این باره گرفتار می‌شود و خود را در حال جانبازی وی می‌بیند و از آن لذت می‌برد.

در زندگی خصوصی ما هیچ چیز به اندازه عشق بارور نیست و این باروری، حدی است که عشق به عنوان نماد آن گردیده است. بسیاری از امور مثل فک، میل و خواستن و دست یازیدن به کار و عمل از عشق سرچشمه می‌گردد. اما مثل گندم یا لوبیا که از دانه می‌روید و رشد می‌کند وقتی به ثمر رسد دیگر خود آن دانه نیست. میل و خواستن و کار و عمل با اینکه از عشق سرچشمه می‌گردد، خود عشق نیستند بلکه معرف عشق می‌باشند. ما طالب امور زیبای هستیم، ولی به آن گرایش عاطفی و احساسی نداریم. مثلاً میل به نوشابه ای خفیه، شش ورزیدن به نوشابه نیست، و آدمی که به استعمال ماده ای مخدر معتاد است در این حال که به آن ماده میل و کشش دارد؛ و آدمی که به استعمال ماده ای مخدر معتاد است در عین حال که به آن ماده میل و کشش دارد، به علت اثرات زیانبخش آن و دردسرهایی که داشته، از آن نیز متنفر می‌باشد.

همواره یک تحلیل روان‌شناختی از رابطه عشقی و عوامل بوجد آورنده آن می‌تواند بسیار جالب باشد. اما راه به جایی نمی‌برد مگر آنکه اول به این مسئله بیندیشیم که عشق به خودی خود چیست. موضوع عشق گسترده و گاهی پدیده ای بی‌مانند است. همان‌طور که دانه گفته عشق عامل حرکت و گردش خورشید و سیارات است. بی‌آنکه به ابعاد نجومی پدیده ای که عشق نامیده شده بپردازیم، بهتر است به جنبه‌های متعدد آن توجه کنیم. نه

تنها مرد به زن و زن به مرد عشق می‌ورزد بلکه ما به علم یا هنر عشق می‌ورزیم، مادر به فرزندش عشق می‌ورزد، و انسان دیندار به خدا عشق می‌ورزد، موضوعاتی که انسان‌ها به آنها عشق می‌ورزند به قدری فراوان و گوناگون هستند که نمی‌توان کیفیت یا ویژگی معینی را وجه مشترک همه آنها دانست.

حایف عشق

دژراری عریف عشق و ناگسستگی بودن آن از زندگی انسان و اشتیاق جنون‌آمیز همه برای دستیابی بدان، فردی چون افلاطون را بر آن داشت که بگوید افسانه‌ها چنان می‌مایند که آدمی دو جنسیت دارد؛ یعنی هر فرد در اصل هم نر است و هم ماده. سپس خدایان به کیفر گناهی ناشناخته او را دو نیم کردند. از آن زمان تا کنون دو نیمه این موجود در جستجوی یکدیگرند. پس جستجوی انسان به دنبال نیم دیگر خود عشق است.

روانشناسان و دیگر دانشمندان رفتار را اعتقاد دارند که عشق یک موضوع بسیار پیچیده برای پژوهش‌های علمی می‌باشد. زیرا در ارتباط با شدیدترین احساسات بشری می‌باشد. مازلو^۱ (ترجمه روانی، ۱۳۶۷) می‌گوید جای شگفتی است که علوم تجربی از پرداختن به موضوع عشق چنین قاصر است. سکوت روان‌شناسان بویژه در این مورد عجب می‌نماید، زیرا انسان ممکن است فکر کند که این کار باید وظیفه خاص ایشان باشد. در اینجا وظیفه ما روشن است ما باید عشق را بفهمیم، باید قادر باشیم آنرا

^۱ . Maslow